

## آثار برجای مانده از ابن خفیف

### و دست نویسی از بخش ابتدایی «کتاب الإقتصاد»

\* جواد بشری

#### چکیده

ابن خفیف شیرازی، هم در روزگار خود و هم در میان سلاسل و طریقت‌های پس از خود، از مشایخ تأثیرگذار تصوّف به شمار می‌رود. اقوال متعدد او در آثار صوفیانه رسمی و استناد به سیرهٔ وی که به تدوین اولیانامه‌ای برای او انجامید، میزان تفوّذ شخصیت و آراء او را در انجمان‌های اعتدالی تصوّف نشان می‌دهد. بررسی رساله‌ها و کتابچه‌های منسوب به وی از دیرباز مورد توجه بوده و اغلب آن‌ها تصحیح و منتشر شده است. در کتابخانهٔ مرعشی (قم) دست نویس رساله‌ای به عربی وجود دارد که تاکنون شناسایی نشده است. در بازخوانی متن این رساله و پس از مقایسه با سایر آثار برجای مانده از ابن خفیف، روشن شد که با دست نویس اصیل و معتبری از «کتاب الإقتصاد» روبرو هستیم. سلسلهٔ استناد موجود در آغاز این دست نویس نشان‌دهنده جایگاه والای این اثر در میان مشایخ پس از ابن خفیف است. در پایان، برخی اختلاف‌ها بین روایت نسخهٔ مرعشی و دو نسخهٔ موردن استفاده فلورین زویروی<sup>\*</sup>، مصحّح کتاب الإقتصاد، بیان خواهد شد.

**کلید واژه:** ابن خفیف شیرازی؛ تصوّف؛ کتابخانهٔ مرعشی؛ نسخهٔ خطی؛ تصحیح

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۲۲ تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۲۷

\* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران / j.bashary@ut.ac.ir

## مقدمه

ابوعبدالله محمد بن خفیف بن اسکفشار، مشهور به «شیخ کبیر» و «ابن خفیف» (۳۷۱ق) از قدماهای مشایخ تصوّف در فارس و یکی از پرنفوذترین آن‌ها در طریقت‌ها و سلاسل تصوّف پس از خویش شناخته می‌شود. اطلاعات فراوانی از او در نگارش‌های صوفیانه وجود دارد که بخشی اقوال شخصی اوست، شماری مربوط به اقوال مشایخی که ایشان را درک کرده و بخشی نیز احادیثی است که او به عنوان واسطه در نقل و روایت آن‌ها حضور دارد. خوشبختانه یکی از مریدان او، اولین‌نامه‌ای برای شیخ خویش تدوین کرده که ترجمۀ فارسی قدیمی از آن بر جای مانده است.<sup>۱</sup>

۱. ابوالحسن دیلمی، از صوفیان سده چهارم و معاصر با شیخ کبیر و از بزرگان شناسا درباره مشایخ تصوّف در شیراز، بخشی از «مشیخه»‌ی خود را، که اینک مفقود است، به احوال شیخ کبیر اختصاص داده، و جنید شیرازی فقره کوچکی از آن را نقل کرده است (شیرازی، ۱۳۲۸: ۳۸-۳۹). به علاوه، دیلمی کتاب مستقلی در سیرت شیخ کبیر به زبان عربی پرداخته است که هرچند متن آن ظاهراً در دست نیست، برگردان فارسی آن بر جای مانده است. بخش مهمی از میراث معنوی ابن خفیف را در همین اولین‌نامه باید جستجو کرد. نخستین بار متن «ترجمۀ سیرت» را آنه ماری شیمل در سال ۱۹۴۵م در آنکارا زیر نظر هلموت ریتر منتشر نمود (نک: الشیرازی، ۱۳۶۳؛ در بخش «منابع»). پیش از او عباس اقبال، احتمالاً به واسطه مشارکت در تصحیح «شد الازار» و توجیهی که در کنار علامه قزوینی به میراث بزرگان فارس داشت، به یکی از دستنویس‌های مورد استفاده شیمل وقوف یافت و از آن رونوشتی برای خویش تهیه کرد که اینک به شماره ۵۴۳۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود (دانشپژوه، ۱۳۵۷: ۷؛ منزوی، ۱۳۸۲: ۲۱۸۷). درباره ابن خفیف چند پژوهش در دست است که تکرار مطلب آن‌ها در اینجا ضرورتی ندارد. به طور عام، درباره او، نک: Brockelman, 1937: 359-358؛ الشیرازی، ۱۳۶۳؛ ۱۳۶۴-۵ مقدمه، ۲۲۰-۲۲۰؛ فؤاد سزگین، ۱۳۸۰: مجتبایی، ۹۷۰؛ مجتبایی، ۱۳۷۴؛ ۴۳۹-۴۳۴، و منابع متعددی که در منبع اخیر مورد استفاده قرار گرفته است. این مأخذ نیز که در منبع مورد اشاره از قلم افتاده است، دیده شود: ابن عساکر، بی‌تا: ۵/۵۲-۴۰۵/۵/۲۰-۴۲۰. خانقه شیخ کبیر در شیراز در بسیاری از ادوار تاریخ این منطقه تأثیرگذار بوده و با استناد به قول هجویری (۱۳۸۴: ۳۶۶) طریقت «خفیفیه» در قرن پنجم شناخته شده بوده است. در ذکر سلسله خرقه در طرانتی مانند کازرونیه و سهروردیه، نسبت خرقه به ابن خفیف می‌رسد. معنویت در دستگاه طریقتی روزبهان بقلی نیز به او منتهی می‌شده است. در روزگاری نیز که تصوّف از حمایت حکمرانان سلغانی برخوردار بود، به خانقه ابن خفیف توجه ویژه می‌شد. برای نمونه، مظفرالدین زنگی بن مودود (حاکم ۵۷۱-۵۵۸ق) خانقه یادشده را توسعه داد و بنایی را وقف آن کرد. این بنا بعدها در عهد اتابک ابوبکر بن سعد به طور کامل بازسازی شد (همدانی، ۱۳۸۹: ۴) و در قرن هشتم هجری «قتلی»، نوہ دختری شاه شیخ ابوسحاق اینجو (فرزنده جهان‌ملک خاتون، شاعر مشهور سده هشتم هجری)، عمارت سلغانی را به طور کامل خراب کرد و به جای آن سه گنبد رفیع متصل به یکدیگر ساخت (میرخواند، ۱۳۸۵: ۳۶۰۸). دوره مصاحب شماره ۲۶۲-۲۶۲ «موزه» در موزه آستان حضرت معصومه<sup>(س)</sup> در قم، شامل بیست و هفت پاره از سی پاره قرآن، در برخی مجلدات خود

ابن خفیف، پس از اتمام سفرهای دور و دراز خویش و در روزگار اقامت در شیراز، به ارشاد روی آورد و احتمالاً در همین دوران آثار بسیاری نگاشت. اساساً او را یکی از پرنگارش ترین مشایخ در مسائل و موضوعات مورد اهتمام صوفیه ذکر کرده‌اند. ابوبکر اسماعیلی جرجانی (۳۷۱ق) از برجسته‌ترین فقهای شافعی و از سرشناس‌ترین روات حديث در سراسر قلمرو اسلامی در سده چهارم هجری<sup>۱</sup> به همین آثار و نگاشته‌های او که در سده چهارم هجری شهرتی داشته اشاره کرده است: «له علوم و حکم، قد سطراها فی دواوینه و آفها فی کتبه» (شیرازی، ۱۳۲۸: ۴۱).<sup>۲</sup> از میان سخنان متعددی که جنید شیرازی درباره میزان اهمیت آثار ابن خفیف بیان کرده می‌توان چنین استنباط کرد که سبب این اهمیت، یکی آشنایی عمیق صوفی شیرازی با علوم دینی، علی‌الخصوص کلام، تفسیر و حدیث بوده است که در این باب به قول سلمی در کتاب «تاریخ الصوفیة» استناد شده که گفته است: «و

→ وقف‌نامه‌هایی از قرون پیشین را حفظ کرده است که از آن میان بایستی به وقف‌نامه ثبت شده بر پاره بیست و دو از این دوره اشاره کرد که نشان می‌دهد یحیی بن ناصر الیحیی [؟]، «خدم الحضرة الكبیرية» و بقعة شیخ کبیر، آن را بر سر روضه حضرت مقدسه سلطان شیخ کبیر ابوعبدالله محمد بن خفیف در جمادی الثانی ۷۸۱ق، با پاره‌های دیگر وقف کرده است (دانشپژوه، ۱۳۵۵: ۲۷-۲۸). درباره سعدی دانسته است که هنگامی که حوالی ۶۵۵ق از سفرهای دور و دراز خویش به شیراز بازگشت و در پناه امنیتی که به تدبیر اتابکان سلغُری در این منطقه برقرار بود ساکن شد، پیش از تأسیس خانقاہ خویش، به خانقاہ ابن خفیف آمد و شد داشت (نک: شیرازی، ۱۳۲۸: ۴۶۱؛ ۱۳۲۰: ۷۶-۷۷)، از بخش «رسائل ثر»، حکایت شمس الدین تازیکو از «تقریرات ثلاثه»). عزیز نسفی (زنده در ۶۹۱ق) دست‌کم سه رساله از آثار خویش را در شیراز «بر سر تربت شیخ المشایخ ابوعبدالله خفیف» جمع کرده است (نسفی، ۱۳۸۱: ۱۶۳؛ نیز: ۲۲). قطب بن محیی شیرازی، از مشایخ بسیار مؤثر در تصوف شیراز و بنیان‌گذار «اخوان‌آباد»، که تا اوایل سده دهم هجری از حیات بهره‌مند بود، از میان پیشیان خود به آراء و اقوال ابن خفیف توجه ویژه‌ای داشت (قطب بن محیی، ۱۳۹۵: بیست و نیج؛ ۱۴۱۴-۱۴۱۳: دانشگر، ۱۳۹۳: ۲۵۸). این در حالی است که شاید بتوان قطبِ محیی را به نوعی منتقد اندیشه‌های ابن عربی به شمار آورد که در عهد او، دیگر در فارس به خوبی شناخته شده بود و پیروانی داشت. در متابع، از نقش ابن خفیف در انتقال مواريث دینی، چون تفسیر، به مناطقی جز شیراز نیز یاد شده است (برای نمونه، نک: شفیعی کدکنی، ۱۳۹۴: ۳۵۸، ۳۶۴).

۱. درباره او، فی المثل نک: السهمی، ۱۳۸۷: ۸۵-۹۶، و فقره‌های متعددی که در ص ۷-۶ فهرست اعلام پایان کتاب ذکر شده است؛ شیرازی، ۱۳۲۸: ۴۰، پانویس.<sup>۳</sup>

۲. تعبیر «دواوین» برای آثار منثور، تعبیر رایجی است که در گذشته شیوع داشته است. تنها برای یک نمونه دیگر از این کاربرد، نک: بقلی شیرازی، ۱۳۹۳: ۳: «إِنَّ طَالِعَتْ فِي دَوَوِينِ الصَّوْفِيَّةِ وَ تَصَانِيفِهِمْ فِي عِلْمِ الْحَقِيقَةِ» (هم، ۱۳۹۴: ۵۲): «چون در آن علم [=تصوف] خوض کردم و دیوان ایشان مطالعه کردم».

هو من أعلم المشايخ بعلوم الظاهر متخصصاً بعلوم الشريعة من الكتاب والسنّة وهو فقيه على مذهب الشافعى» (شيرازى، ١٣٢٨: ٤١؛ نيز نك: السلمى، ١٩٦٠: ٤٨٥) «وكان عالماً بعلوم الظاهر وعلوم الحقائق وكان أوحد المشائخ فى وقته حالاً وعلماً وحُلْقاً». در اصل، ابتکاری که طبقه نخست مشايخ مؤسس در حوزه تصوف، در نگارش رسائل و مکتوب کردن مسائل صوفیان در سده سوم هجری به خرج دادند، وابن خفیف نیز به همایشان انتساب داشت، در سده چهارم هجری توسط او و برخی دیگر تکامل یافت. جعفر خُلدی بغدادی (٣٤٨ق) که خود برخی مصنفات این خفیف را مطالعه کرده بود، به همین آمیختن علوم باطن (مسائل تصوّف) با علوم ظاهر در آثار او تأکید کرده است: «قد قيّد كلامه بنصوص الآيات و مشاهير الأخبار» (شيرازى، ١٣٢٨: ٣٩؛ سورى، محمد و محمود، ١٣٩٦: ٩٨-٩٩).

### كتاب‌شناسي آثار برجاي مانده از ابن خفيف

از ميان آثار متعدد ابن خفيف، اين موارد برجاي مانده است:

- «كتاب الاقتصاد»: پرچم ترین اثر باقی مانده از ابن خفيف در موضوع تربیت مریدان، که متن عربی به همراه يک مقدمه تحلیلی و ترجمه آلمانی آن را فلورین زوپیرویْ به سال ١٩٩٨ م توسيط انتشارات فرانتس اشتاینر در آلمان با همکاری معهد آلمانی<sup>١</sup> در بيروت، منتشر کرد (نك: 1998، Sobieroj). جز دست‌نويسی که از آن در مجموعه‌ای به شماره ٦٥٢ در گیجنبه پرتوپاشا در ترکیه، موّرخ ١٠٦٠ ق گزارش شده بود (فؤاد سرگین، ١٣٨٠: ٩٧١)، نسخه‌ای معتبر و کهن نيز از اين اثر در دانشگاه پرینستون، به شماره ٢٦٥٤ يهودا، موّرخ ٨١٨ ق به خط نجيب بن امام الدین ايچى كتابتشده در شيراز، وجود دارد (محمد عايش، ١٤٣٢ ق: ٢٦٥/٥؛ زرين كوب، ٢١٥: ١٣٧٩)، که نوشته است: «از رساله دیگر او موسوم به كتاب الاقتصاد هم نسخه‌ي در مجموعه كتابخانه پرینستون ديده‌ام») که هر دو مورد استفاده زوپیروی قرار گرفته است. درباره اين اثر و ارتباط دست‌نويس مرعشی با آن،

١. المعهد الألماني للأبحاث الشرقية (BTS).

پس از این سخن گفته خواهد شد.

- **(العقيدة الصحيحة)، (المعتقد)**: که یکی از پرنسخه‌ترین رساله‌های او است. این رساله کوتاه، در چهار فصل کلی نگاشته شده است: توحید، نبوت، ایمان و برخی اختصاصات صوفیه. چند دست نویس نسبتاً کهن از این رساله تاکنون شناسایی شده است که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: دست نویس مجموعه‌ای شماره ۵۳۲۱ Or. ۴۷۹۲ کتابخانه ایاصوفیا مورخ ۸۱۳ق کتابت شده بدست اسعد بن احمد پراهمیت شماره ۴۳۷۳ مرکز احیاء میراث اسلامی در قم مورخ ۸۸۱ق بخش سوم مجموعه (پیش‌تر متعلق به مجموعه نسخه‌های خطی محدث ارمومی)، دست نویس شماره ۱۸۸۰ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران بخش دهم مجموعه (درایتی، ۱۳۹۳: ۳۷۹/۴) و چند دست نویس دیگر. یک ترجمه فارسی نسبتاً قدیم نیز از این رساله در دست است که همراه متن عربی آن، توسط شیمل در بخش ملحقات سیره شیخ کبیر، منتشر شده (الشیرازی، ۱۳۶۳: ۲۸۴-۳۰۸) و البته لازم است در آینده بر اساس سایر دست نویس‌های (الشیرازی، ۱۳۹۳: ۵۸۹؛ درایتی، ۱۳۹۳: ۷۸۸/۲۲؛ فؤاد سرزگین، ۱۳۸۰: ۹۷۱)، دست نویس شماره ۴۳۷۳ مرکز احیاء میراث اسلامی در قم مورخ ۸۸۱ق بخش سوم مجموعه (پیش‌تر متعلق به مجموعه نسخه‌های خطی محدث ارمومی)، دست نویس شماره ۱۸۸۰ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران بخش دهم مجموعه (درایتی، ۱۳۹۳: ۳۷۹/۴) و چند دست نویس دیگر. یک ترجمه فارسی نسبتاً قدیم نیز از این رساله در دست است که همراه متن عربی آن، توسط شیمل در بخش ملحقات سیره شیخ کبیر، منتشر شده (الشیرازی، ۱۳۶۳: ۲۸۴-۳۰۸) و البته لازم است در آینده بر اساس سایر دست نویس‌های (الشیرازی، ۱۳۹۳: ۵۸۹؛ درایتی، ۱۳۹۳: ۷۸۸/۲۲؛ فؤاد سرزگین، ۱۳۸۰: ۹۷۱).  
-(كتاب الوصيّة): که از متن اصل عربی و نیز یک ترجمه فارسی آن دست نویس‌هایی در دست است که هر دو به همت شیمل، بر اساس دست نویس‌های توپینگن (نسخه اساس متن عربی) و شهید علی پاشا شماره ۱۳۸۸ (ترجمه فارسی) یک بار منتشر شده (الشیرازی، ۱۳۶۳: ۲۷۴-۲۸۳) و لازم است در آینده با در نظر گرفتن امکانات سایر دست نویس‌ها تصحیح شود. آنچه با عنوان غیر اصیل «خصال المرید» در کتابخانه آستان شاهچراغ در شیراز به شماره ثبت ۲۸۹ (بخش دوم مجموعه) توصیف شده (بهروزی، ۱۳۶۰: ۲۹۷-۲۹۸؛ درایتی، ۱۳۹۳: ۷۰۶/۱۳) و اینک تصویری از آن در اختیار نگارنده قرار دارد، چیزی

جز دستنویسی از همین «وصیت» ابن خفیف نیست. نسخه‌های این اثر بسیار است و شماری را فواد سرگین (۱۳۸۰: ۹۷۰) و درایتی (۱۳۹۳: ۴۴۷/۴۳) بر شمرده‌اند. چنان‌که داش پژوه (۱۳۳۹: ۴۸۸) به درستی متذکر شده، دستنویسی که با عنوان «السیر و السلوك» در مجموعه شماره ۱۸۸۰ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران با تاریخ ۸۲۲ قرار دارد (بخش دوازدهم مجموعه)، نسخه همین رساله است و باید آن را جدا از آن در نظر آورد (اصلاح شود در: درایتی، ۱۳۹۳: ۶۲۲/۱۸).

- «فضل التصوّف على المذاهب»: که دستنویس واحدی از آن در یک مجموعه بسیار ارزنده و کهن در کتابخانه خانقاہ احمدی شیراز وجود دارد و فاطمه علاقه آن را بر اساس همین دستنویس، با یاری مرحوم کاظم برگ‌نیسی، تصحیح کرده است (ابن خفیف، ۱۳۷۷: ۵۴-۸۰).

- «شرف الفقراء»: اگرچه اصل این متن از بین رفته، دستنویس واحدی متعلق به حدود سده نهم هجری از یک ترجمه نسبتاً قدیم آن در دست است که فاطمه علاقه آن را نیز تصحیح کرده است (ابن خفیف، ۱۳۷۸: ۱۰۰-۱۳۱). برای آگاهی از وضعیت دستنویس این اثر که پیش‌تر در کتابخانه سید محمدعلی روضاتی بوده، و اینک در کتابخانه مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی محفوظ است، نک: منزوی، ۱۳۸۴: ۴۹).<sup>۱</sup>

۱. از نسخ شایان توجه دیگر، یکی دستنویس کتاب «او صاف القلوب»، شماره ۳۴۴۴ کتابخانه آستان قدس رضوی مورخ ۷۸۹ ق است که محتویات آن در مطالعات مربوط به ابن خفیف بررسی نشده است (درایتی، ۱۳۹۳: ۵/۴۰۰؛ زرین‌کوب، ۱۳۷۹: ۲۱۵؛ الشیرازی، ۱۳۶۳: ۹ مقدمه)، هرچند این اثر از ۱۹۳۷ م شناخته شده بود و بروکلمان با تعبیر «کتاب او صاف القلوب، مشهد» از آن سخن گفته است (Brockelman, 1937: 359). همچنین حاجی خلیفه (۱۴۰۲ ق: ۱۴۴۷) از اثری با عنوان «کتاب الفضائل و جامع الدعوات والأذكار» به عنوان یکی از آثار ابن خفیف سخن به میان آورده است (نیز نک: مجتبایی، ۱۳۷۴: ۴۳۷، ستون ۲). بسیار محتمل است که دستنویسی که اینک به شماره ۱۲۹۶ در گنجینه فیض الله افتندی در کتابخانه ملت در استانبول نگهداری می‌شود، همان دستنویسی باشد که مبنای گزارش او قرار گرفته است. سرآغازی که وی در کشف الظنون نقل کرده، منطبق با سرآغاز آسیب‌دیده دستنویس فیض الله افتندی است، جز آن که در دستنویس حاضر با اثری مواجهیم که تلخیص کننده‌ای آن را از روی یک اثر ابن‌خفیف در موضوع ادعیه و خواص آیات، با حذف اسانید روایی فراهم آورده است. این دستنویس که حجم زیادی دارد (۱۵۸ برگ)، مورخ چهارشنبه ۲۱ ربیع‌الاول ق است و لازم است محتویات ارزنده آن در مطالعات مربوط به ابن‌خفیف مورد تحلیل قرار گیرد (از دوست گرامی، جناب سید محمدتقی حسینی که تصویر این دستنویس را مرحمت کردند، سپاسگزارم). ←

### «کتاب الإقتصاد» و دستنویس مرعشی

در کتابخانه مرعشی (قم) دستنویس یک رساله عربی کوتاه از ابن خفیف وجود دارد که اینجا بررسی خواهد شد. توصیفی مقدماتی از این رساله در فهارس قدیم کتابخانه مرعشی موجود است (حسینی، ۱۳۵۴: ۷۹) و دانش پژوه نیز در بازدید از این کتابخانه در اواخر دهه چهل خورشیدی، رساله را رویت کرد و از آن یاد نمود (دانش پژوه، ۱۳۴۸: ۳۸۹). اثر مورد بررسی در مجموعه‌ای نسبتاً قدیمی از رسائلی در فقه، کلام و ادبیات، به شماره ۶۷ کتابخانه مرعشی، محفوظ است که پیشتر بخش‌های آن در سده دهم هجری در جبل عامل کتابت شده و نمونه‌ای از مساهمت عالمان امامی جبل عامل در حفظ میراث معنوی مشایخ سلف به شمار می‌آید.

در حقیقت، نسخه رساله ابن خفیف در مجموعه حاضر، فصول آغازین «کتاب الإقتصاد» است که قبلاً به دو دستنویس بر جای مانده از آن و تصحیح زوییروی، اشاره‌ای شد. این اثر، بر اساس شماره‌هایی که در متن چاپی به هر فصل داده شده، ۴۷ بند دارد و دستنویس مرعشی - که گویا مشتمل بر صورت کامل رساله بوده ولی بعدها برگ‌هایی از انتهای آن افتاده است - تنها ۱۹ بند اول اثر (بر اساس متن چاپی) را در بر دارد (Sobieroj: 443-459).

آنچه دستنویس مرعشی را، در عین متأخر بودن نسبی کتابت آن، در برخی مواضع برتری می‌دهد، پشتونه کهن و اصیلی از سلسله راویان متعددی است که آن را حفظ کرده و احتمالاً کاتب جبل عاملی سده دهم هجری دستنویس مرعشی نیز نسخه خویش را، مستقیم یا غیرمستقیم، از روی یک دستنویس سده ششمی نسخه‌برداری کرده است. پیش از بررسی مواضعی از متن، لازم است به وجه اهمیت سلسله اسناد روایی آغاز دستنویس مرعشی اشاره شود.

→ زرین‌کوب این اثر را با «جامع الإرشاد» که گویا آخرین نوشته ابن خفیف بوده، یکسان دانسته است (زرین‌کوب، ۱۳۷۹: ۲۱۵، ۴۰۳)، در حالی که دلیلی برای این انطباق وجود ندارد (درباره «جامع الإرشاد»، نک: الشیرازی، ۱۳۶۳: ۱۹۳، ۲۱۲).

### راویان تحریر دستنویس «كتاب الاقتصاد» در کتابخانه مرعشی

در دستنویس کتابخانه مرعشی، پیش از آغاز متن رساله، سطوری به ثبت سلسله اسناد آن اختصاص دارد که حائز اهمیت است و باید، از دیدگاه تراجم، مورد تحلیل قرار گیرد. بر اساس سلسله ثبت شده در بخش مزبور مشخص می‌شود که این رساله، بی‌واسطه یا باواسطه، از روی نسخه‌ای کتابت شده که توسط شهاب‌الدین ابوالفضل محمد بن یوسف بن علی غزنوی، یکی از رجال پرکار سده ششم هجری، سینه‌به‌سینه از مشایخی که اسامی ایشان پس از این خواهد آمد، اخذ شده است. ابتدا، بخش نخست دستنویس مرعشی عیناً نقل می‌شود:

«بسم الله الرحمن الرحيم»

أَخْبَرَنَا الشِّيخُ الْإِمامُ الْفَقِيهُ شَهَابُ الدِّينِ أَبُو الْفَضْلِ مُحَمَّدُ بْنُ يُوسُفِ بْنِ عَلِيٍّ الْغَزَنِيِّ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ -، قَالَ: أَخْبَرَنَا الشِّيخُ أَبُو بَكْرِ الْمَبَارِكُ بْنُ كَامِلٍ بْنُ أَبِي الْغَالِبِ الْحَقَّافِ إِجَازَةً، قَالَ: أَخْبَرَنَا الشِّيخُ أَبُو مُحَمَّدِ يَحْيَى بْنِ عَلِيٍّ الْطَّرَاحِ بَقْرَاتِيٍّ<sup>١</sup> عَلَيْهِ، قَالَ: أَخْبَرَنَا الْقَاضِي أَبُو الْمَظْفَرِ هَنَادَ بْنَ ابْرَاهِيمَ النَّسْفِيِّ<sup>٢</sup> إِجَازَةً، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو الْقَسْمِ عَلَى بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّوْفِيِّ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ خَفِيفٍ - رَحْمَهُ اللَّهُ -؛ قَالَ الشِّيخُ الْمَبَارِكُ بْنُ كَامِلٍ: وَأَخْبَرَنَا يَهُ الشَّرِيفُ أَبُو الْكَرَمِ الْمَبَارِكُ بْنُ جَعْفَرٍ بْنِ مُسْلِمِ الْهَاشَمِيِّ بَقْرَاتِيٍّ عَلَيْهِ فِي جَمَادِيِّ الْأُولَى سَنَةِ خَمْسِ عَشَرَ وَخَمْسِ مَائَةٍ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو مُحَمَّدِ التَّمِيمِيِّ إِجَازَةً، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ بْنِ خَفِيفٍ؛ قَالَ الشِّيخُ أَبُو بَكْرٍ: وَأَخْبَرَنَا الشِّيخُ أَبُو الْحَسَنِ عَلَى بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْمُوَحدِ بَقْرَاتِيٍّ عَلَيْهِ، قَالَ: أَخْبَرَنَا هَنَادَ بْنَ ابْرَاهِيمَ النَّسْفِيِّ<sup>٣</sup> إِجَازَةً، قَالَ: أَخْبَرَنَا عَلَى بْنِ مُحَمَّدِ الصَّوْفِيِّ، قَالَ: أَبُو عَبْدِ اللَّهِ بْنِ خَفِيفٍ - رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ -: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي حَمَدَ نَفْسَهُ بِالثَّنَاءِ...» (دستنویس مرعشی: گ. ۲۲۰ پ).

بر این اساس، روشن است که محمد بن یوسف غزنوی متن رساله را به طریق اجازه از مبارک بن کامل، فرد زنجیره شماره ۴-الف، اخذ کرده است:

۱. اصل: بقراتی. دو مورد دیگری نیز که شاهد کاربرد این واژه در این سلسله هستیم، به همین شکل ثبت شده است.

۲. اصل: السیفی.

۳. اصل: السیفی.

- [زنجیره ۵-الف]: شیخ فقیه شهاب الدین أبوالفضل محمد بن یوسف بن علی غزنوی حنفی که حلقة نخست است؛
- [زنجیره ۴-الف]: شیخ أبوبکر مبارک بن کامل بن أبي غالب حفّاف: که رساله را از طریق «اجازه» به زنجیره ۵-الف منتقل کرده است؛
- [زنجیره ۳-الف]: شیخ أبومحمد یحیی بن علی طراح: که فرد زنجیره ۴-الف رساله را برابر او «قرائت» کرده است؛
- [زنجیره ۲-الف]: قاضی أبوالمظفر هناد بن ابراهیم نسفی<sup>۱</sup>: که رساله را از طریق «اجازه» به زنجیره ۳-الف انتقال داده است؛
- [زنجیره ۱-الف]: أبوالقسم علی بن محمد بن حسن صوفی: که مستقیم آن را از شیخ کبیر برگرفته و آن را به زنجیره ۲-الف انتقال داده است.  
از این میان، فرد زنجیره «۴-الف»، یعنی أبوبکر مبارک بن کامل، جز طریقی که آن را از یحیی بن علی طراح (۳-الف) اخذ کرده است، خود به دو طریق دیگر نیز این رساله را شنیده که به اتقان انتساب آن به ابن خفیف می‌انجامد. بر اساس یکی از این طرق، أبوبکر بن کامل اثر را از طریق فرد «۳-ب» به دست آورده است. چنین است طریق دوم أبوبکر بن کامل در تحصیل این رساله:
- [زنجیره ۳-ب]: شریف ابوالکرم مبارک بن جعفر بن مسلم هاشمی: که مبارک بن کامل رساله را در جمادی الاولی ۱۵۱ قمری بر او قرائت کرده است؛
- [زنجیره ۲-ب]: ابومحمد تمیمی: که رساله را به طریق «اجازه» به زنجیره ۳-ب انتقال داده است؛
- [زنجیره ۱-ب]: [ابوعبدالرحمٰن سُلَّمٰی [نیشابوری]]: او که بزرگ‌ترین شیخ سده چهارم و پنجم هجری در حفظ آثار مشایخ پیش از خود شناخته می‌شود، راوی مستقیم اثر از ابن خفیف است.  
همچنین، أبوبکر بن کامل طریق سومی نیز در به دست آوردن متن این رساله، به شرح

۱. اصل: سیفی؛ قیاساً تصحیح شد (او متوفی ۴۵۰ق یا ۴۶۵ق و قاضی «بعقوباً»، از مصنفات بغداد، بوده است).

زیر، داشته است:

- [زنجریه ۳-ج]: شیخ ابوالحسن علی بن احمد بن حسن موحد: که ابوبکر بن کامل رساله را بر او فرائت کرده است؛
- [زنجریه ۲-ج]: هناد بن ابراهیم نسفی<sup>۱</sup>: همان قاضی أبوالمظفر هناد بن ابراهیم نسفی مذکور در زنجریه ۲-الف است که نشان می‌دهد او جز آنکه رساله را به ابومحمد یحیی بن علی طراح (زنجریه ۳-الف) انتقال داده، آن را به علی بن احمد موحد (زنجریه ۳-ج) نیز به طریق «اجازه» واگذار کرده است.
- [زنجریه ۱-ج]: علی بن محمد صوفی: همان أبوالقسم علی بن محمد بن حسن صوفی (زنجریه ۱-الف) است که مستقیم رساله را از ابن خفیف اخذ کرده است.  
این سلسله نشان‌دهنده میزان اهمیت رساله در میان مشایخ پس از ابن خفیف و اهتمام ایشان به ثبت و ضبط آثار است.

### برخی اختلاف‌های این تحریر با صورت متن چاپ شده

- در این بخش، برای نمونه برخی اختلاف‌های بین این دو تحریر، با رمز «مرعشی» و «چاپی» (چاپ زویروی)، عرضه می‌شود. بی‌شک چاپ زویروی که بر اساس دست‌نویس معتبر پرینستون (کتابت شده در اوایل سده نهم هجری در شیراز، شهر محل فعالیت ابن خفیف) و با مقایسه با یک دست‌نویس دیگر (دست‌نویس مجموعه پرتوپاشاده ترکیه) فراهم آمده، از اعتبار کافی برخوردار است. اما تحریر موجود در دست‌نویس مرعشی نیز که روشن شد، به یک یا چند واسطه، به روایتی متعلق به سده ششم هجری بازمی‌گردد در انتقام بیشتر متن «كتاب الاقتصاد» در آینده یاری‌رسان خواهد بود.
- «وَصَلَى اللَّهُ عَلَى آدَمَ بِدِيعِ فَطْرَتِهِ وَ لِسَانِ قَدْرَتِهِ وَ إِمامِ مَلَائِكَتِهِ وَ مَنْ كَوَنَ فِي قَبْضَتِهِ وَ أَسْجَدَ لَهُ مَلَائِكَتِهِ، وَ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمَ أَنبِيائِهِ وَ صَاحِبِ لَوَاءِ حَمْدِهِ» (مرعشی: گ ۲۲۱ر)؛ «...خَاتَمَ أَنبِيائِهِ وَ أَصْحَابَ لَوَاءِ حَمْدِهِ...» (چاپی: ۴۴۳، س ۱۰).

۱. اصل: سیفی؛ نک: پانویس پیشین.

- (ثم يلزم العارف أن يُعرفه كيفية الرجوع إلى سيده وباريه - عز وجل - و هو التوبة إلى الله تعالى<sup>١</sup> فأول الرجوع المعرفة بتوحيد الله و التصديق لرسوله - عليه السلام - وهو تحقيق إثبات وحدانية الله بكمال أسمائه و صفاته بنفي الأضداد و الأنداد و الأشباء و أنه ليس كمثله شيء و هو السميع البصير؛ وبذلك أخبر الله - عز وجل - فقال (وما خلقت الجن والإنس إلا ليعبدون)، فقال [ابن عباس]: «إلا ليعرفون». وبصحة ظاهر القرآن وردت السنة فقال [ابن عباس]: «لما بعث رسول الله - صلى الله عليه وآله - معاذ<sup>٢</sup> إلى اليمن، قال له: يا معاذ، إن أول ما تدعوههم إلى عبادة الله و معرفة الله، فإذا عرفوا الله فاعلمهم أن الله افترض عليهم خمس صلوات» وذكر الحديث بطوله» (مرعشی: گ ۲۲۱ پ)؛ «...ورد السنة...فرض عليهم...» (چاپی: ۴۴۴، س ۱۱-۱۳).

- «فيعتقد أن الإيمان في التسمية ينقسم إلى قسمين» (مرعشی: گ ۲۲۲ ر)؛ «...على حالين» (چاپی: ۴۴۴، س ۱۸).

- (ثم على المريء أن يعرف أسماء[ء] أصول الدين و ما اتفق عليه رسول الله - صلى الله عليه و آله - و جبريل؛ من ذلك أن جبريل - عليه السلام - سأله النبي - صلى الله عليه و آله - عن الإيمان، فقال: أن تؤمن بالله و ملائكته و كتبه و رسالته و البعث بعد الموت و القدر خيره و شرّه، ثم سأله عن الإسلام، فقال: شهادة أن لا إله إلا الله و أنّي رسول الله و إقام الصلاة و إيتاء الزكوة و حجّ البيت و صوم رمضان» (مرعشی: گ ۲۲۲ پ)؛ «...و إيتاء الزكوة و صوم شهر رمضان و حجّ البيت» (چاپی: ۴۴۶، س ۱۸).

- «فكانـتـ السـؤـالـاتـ مـفـهـومـةـ وـ الـجـوـابـاتـ مـعـلـوـمـةـ فـىـ حدـ ذـلـكـ،ـ كـلـهـاـ أـفـعـالـ الـعـبـدـ الـذـىـ هـوـ مـطـلـوبـ بـهـ وـ مـجـازـىـ عـلـيـهـ وـ مـعـاقـبـ عـلـىـ تـرـكـهـاـ» (مرعشی: ۲۲۳ ر)؛ «فـكـانـتـ السـؤـالـاتـ مـفـهـومـةـ وـ الـجـوـابـاتـ مـعـلـوـمـةـ،ـ فـجـعـلـ ذـلـكـ كـلـهـاـ أـفـعـالـ الـعـبـدـ الـذـىـ هـوـ مـطـلـوبـ بـهـ وـ مـجـازـىـ عـلـيـهـ وـ مـعـاقـبـ عـلـىـ تـرـكـهـاـ» (چاپی: ۴۴۶، س ۲۲ تا ص ۴۴۷).

١. اصل: تع.

٢. سورة الذاريات: ٥٦.

٣. اصل: معاد.

ـ ((ثم قال صلى الله عليه و آله: "هذا جبريل جا [ء]كم يعلمكم أمر دينكم" فاكتفا المؤمنين بما اتفق<sup>١</sup> عليه الأمينان جبرئيل و رسول الله صلى الله عليه و آله، و ذلك مفصل من جملة قوله صلى الله عليه و آله "الإيمان بضع و سبعون باباً" وهذا مجمل، ثم قال عليه السلام: "بني الإسلام على خمس، شهادة أن لا إله إلا الله و أتى رسول الله و اقام الصلوة و إيتاء الزكاة و صوم شهر رمضان" (مرعشى: ٢٢٣)؛ ((ثم قال صلى الله عليه و سلم: هذا جبريل جاءكم يعلمكم أمر دينكم، فاكتفى المؤمنين بما اتفق عليه الإثنان جبريل و رسول الله عليهما الصلوة و السلام، و ذلك مفصل من جملة قوله صلى الله عليه و سلم: "بني الإسلام على الإيمان بضع و سبعون باباً" وهذا مجمل، ثم قال صلى الله عليه و سلم: "بني الإسلام على خمس - الحديث» (چایی: ٤٤٧، س-١).))

— فقارَنَ اللَّهُ توبَةَ الْكَافِرِينَ فِي حَالٍ تُوبَتِهِمْ بِالإِيمَانِ» (مرعشي: گ ۲۲۳ پ); «فقارَنَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ توبَةَ الْكَافِرِ فِي حَالٍ تُوبَتِهِمْ (ا) بِالإِيمَانِ» (چاپی: ۴۴۸، س ۵-۶).

- (فَأَوْلُ ذَكْرٍ مَا صَنَعَ مِنْ عِبَادَةِ اللَّهِ مُثْلِ الصَّلَاةِ الْمُضَيِّعَةِ) (مَرْعُوشٌ: ۲۲۴ ر)؛ «...مُثْلِ الصَّلَاةِ الْمُفْرُوضَةِ» (چاپی: ۴۴۸، س. ۱۷).

- (ثُمَّ عَلَيْهِ رُدُّ الْمَظالِمِ عَلَى الْعَبَادِ الَّذِي عَلَيْهِ، فَمَنْ عَلَيْهِ ظَلَامَةٌ مِنْ مَالِهِ فَعَلَيْهِ أَنْ يُرِدَّهَا أَوْ يَسْتَحْلِهَ أَوْ يَكْسِبَ عَلَيْهِ فَيُرِدَّهُ» (مرعشى: ٢٢٤)؛ «ثُمَّ عَلَيْهِ رُدُّ الْمَظالِمِ عَلَى الْعَبَادِ الَّذِينَ هُمْ عَلَيْهِ، فَمَنْ عَلَيْهِ ظَلَامَةٌ فِي مَالِهِ فَعَلَيْهِ أَنْ يُرِدَّهُ وَيَسْتَحْلِهَ أَوْ يَكْسِبَ عَلَيْهِ فَيُرِدَّهُ» (چاپی: ٤٤٨، س. ٢٠-٢١).

- «وَأَمَّا مَا كَانَ عَلَيْهِ مِنْ ضُرُبِ الْأَبْشَارِ فَالْقَصَاصُ<sup>٢</sup> وَالْإِسْتَحْلَالُ مِنْهُ» (مرعشي: ٢٢٤ ر);  
«...مِنْ ضُرُبِ الْإِنْسَانِ...» (چایی: ٤٤٩، س. ١).

- (فِي قَلْبِ صَفَاتِهَا وَيَرْدُّهَا عَنْ عَادَاتِهَا) (مَرْعُوشٌ: ۲۲۴ بـ)؛ «فَتَنَقْلِبُ صَفَاتِهَا وَيَنْقُلُهَا عَنْ عَادَاتِهَا» (چاپی: ۴۴۹، س. ۱۹).

- «في طلب التبحّر في فنون الروايات» (مرعشى: ٢٢٥)؛ «في طلب التبحّر في فنون

١. اصل: اتفقا [كذا].

## ٢. اصل: و القصاص.

الروايات» (چاپی: ۴۵۰، س ۱۹).

- «إِنَّ اللَّهَ عَلَيْكَ رَقِيبٌ بَلْ عَلَيْكَ مِنْهُ زَاجِرٌ وَتَهْدِيدٌ» (مرعشی: گ ۲۲۵ پ)؛ «... زجر و تهدید» (چاپی: ۴۵۱، س ۱۲).

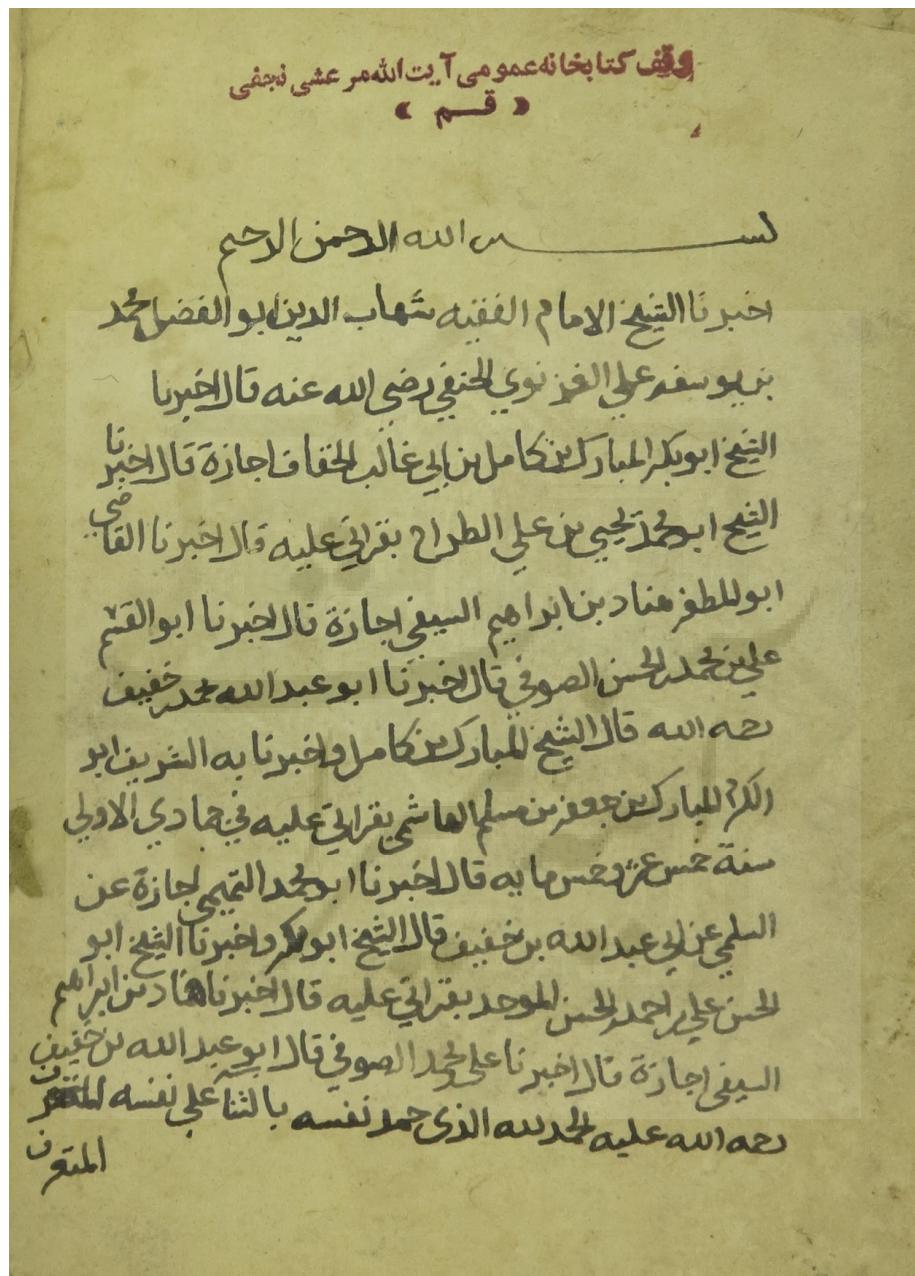
- «فَحَمَلَهُمْ إِلَى بَعْضِ بَيْوَاتِ الْأَنْصَارِ» (مرعشی: گ ۲۲۶ ر)؛ «فَحَمَلَهُمْ إِلَى بَيْتِ بَعْضِ الْأَنْصَارِ» (چاپی: ۴۵۲، س ۶).

- «فَلَازَلَتِ أَحْكَامُ الْفَتْرَةِ فِيهِمْ مُتَحَكِّمَةً» (مرعشی: گ ۲۲۶ ر)؛ «فَلَازَلَ أَحْكَامُ الْفَتْرَةِ فِيهِمْ مُتَحَكِّمَةً» (چاپی: ۴۵۲، س ۱۰).

- «ثُمَّ عَلَى الْمُرِيدِ، إِنَّ طَالِبَتُهُ نَفْسُهُ بِتَعْلِيمِ الْعِلْمِ، أَنْ يَقْصُدَ إِلَى أَجْلِ الْعِلْمِ وَأَسْنَاهَا فِي تَعْلِيمِ عِلْمِ الزَّهْدِ وَالْوَرْعِ وَالْمُؤْدِيَانِ ذَلِكَ إِلَى إِصْلَاحِ الْمَطْعَمِ وَالْمَلْبِسِ» (مرعشی: گ ۲۲۶ پ)؛ «... بِتَعْلِيمِ الْعِلْمِ أَنْ يَقْصُدَ إِلَى أَجْلِ الْعِلْمِ وَأَسْنَاهَا بِتَعْلِيمِ عِلْمِ الزَّهْدِ وَالْوَرْعِ وَالْمُؤْدِيَنِ ذَلِكَ إِلَى إِصْلَاحِ الْمَطْعَمِ وَالْمَلْبِسِ» (چاپی: ۴۵۳، س ۳-۴).

- «وَلَا يُبْسِطَ عِنْدَ التَّمَلِّكِ بِالْأَغْذِيَةِ الْمُشْتَهَى بَلْ يَصْرُفُ الْفَضْولَ فِي وُجُوهِ الْقُرْبَةِ وَيَقِيمُ النَّفْسَ عَلَى مَنْهَجِ النَّبِيِّ الَّذِي كَانَ يُرْبِطُ الْحَجَرَ وَالْحَجَرَيْنِ مِنَ الْجَوْعِ عَلَى بَطْنِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي خَلْصِ أَكْلِكَ عَنْ نَفْسِكَ وَيَكُونُ لِرَبِّكَ خَالِصًاً» (مرعشی: گ ۲۲۹ ر)؛ «وَ أَنْ لَا يُبْسِطَ عِنْدَ التَّمَلِّكِ بِالْأَغْذِيَةِ الشَّهِيَّةِ، بَلْ يَصْرُفُ الْفَضْولَ فِي وُجُوهِ الْقُرْبَةِ، وَيَقِيمُ النَّفْسَ عَلَى مَنْهَجِ النَّبِيِّ الَّذِي كَانَ يُرْبِطُ عَلَى بَطْنِهِ الْحَجَرَ وَالْحَجَرَيْنِ مِنَ الْجَوْعِ صَلَى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَتَخَلَّصُ أَكْلِكَ عَنْ نَفْسِكَ وَتَكُونُ لِرَبِّكَ خَالِصًاً» (چاپی: ۴۵۸، س ۵-۶).

طبعتاً دست نویس مرعشی نیز، مانند هر دست نویس معمولی دیگری، در مواضع متعدد خطاهایی دارد که از طریق مقایسه متن آن با دو دست نویس دیگر به راحتی می توان به آنها وقوف یافت. بنا بر این، لازم نیست درباره ارزش این نسخه به اغراق متول شویم. آنچه هست سلسله اسناد موجود در ابتدای این دست نویس نشان می دهد که آثار ابن خفیف چه اندازه برای مشایخ پس از او دارای اهمیت بوده است.



لما نفوا وكسفو أمن لطيفاً شاراً قم وسفي عبارات  
وبيالله التوفيق **باب** قال أبو عبد الله رحمة الله  
ناؤ ما علىه في ابتدأ إرادته أن يقصد المحبة من  
أهل زمانه موسى عليه معرفة بالنصرانية عارف  
بطرق زمانه فرققطع طرق أهل خلته وتنازل الأحوال  
على حقيقته عارف بسنن نبيه صلى الله عليه واله وسلم  
نفسه لخزنته ويعتقدون كمخالفته دليلاً على الصراحتة  
ثم يلزم العارف أن يعرفه كحقيقة الروح الحسينية وبيانه  
غير جعلها توبية للائمه تعظاً لرجوع المعرفة بتحريم  
الله والتصديق لرسوله عليه السلام ومحاجة في ثبات  
وحلائمه الله بهم أسماءه وصفاته بنفي الأضداد والإنكار  
والاشبهات وأنه لم يكتمل شيء من السرير البصير وبدرك الخبر  
الله عزوجل **باب** ما خافت لحرر والأنس البعبرى فقال  
عباس لا يعنونه رفع بحجة ظاهر القرآن وردت السنة فقال  
عباس لما بعث رسول الله صلى الله عليه واله معاد إلى اليمن  
قال لهم سعاد أنا وأنا زعوم لمعبادة الله ومرة الله  
ناداه بوا الله فأعلمهم أنا الله أفترض عليهم جنس صلواته دلائل  
الحوبيات بطوله فعلى المريان يعتقد مجده ذلك الحقيقة ويعينا

فصل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
جَنَاحَةُ عَوْمَى حَضْرَتِ آيَتِ اللَّهِ الْعَظِيمِ رَعْشِيْخِيْجَفِيْ دَرْدَه  
تَسْكِيرٌ ١٣٥٢ هـ

## منابع

- ابن خفیف، ابوعبدالله محمد بن خفیف (١٣٧٧). «رساله فضل التصوّف على المذاهب». به کوشش فاطمه علاقه، با همکاری کاظم برگنیسی. معارف، دوره ۱۵، دوشماره ۱ و ۲، فروردین-آبان (پیاپی: ۴۳-۴۴): ۵۰-۸۰.
- ——— (١٣٧٨). «رساله شرف الفقراء». به کوشش فاطمه علاقه. معارف، دوره ۱۶، ش ۱، فروردین-تیر (پیاپی: ۴۶): ۹۸-۱۳۲.
- ابن عساکر (١٤١٥). تاریخ مدینة دمشق. ج ٥٢. دراسة و تحقیق: علی شیری. بیروت: دار الفکر.
- بقلی شیرازی، روزبهان (١٣٩٤). شرح شطحيات. به تصحیح و مقدمه هنری کورین. ترجمه مقدمه از: محمد علی امیرمعزی. تهران: طهوری.
- ——— (١٣٩٣). منطق الأسرار ببيان الأنوار. تصحیح سید علی اصغر میر باقری فرد و زهره نجفی. تهران: سخن.
- بهروزی، علی نقی (١٣٦٠). فهرست کتب خطی کتابخانه حضرت شاهچراغ. نشریه دوم، ج ٢. شیراز: کتابخانه آستان حضرت احمد بن موسی شاهچراغ.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله (١٤٠٢). کشف الظنون عن أسمى الكتب و الفنون. ج ٢. بیروت: دار الفکر.
- حسینی، سید احمد (١٣٥٤). فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیة الله العظمی نجفی مرعشی. ج ١. زیرنظر سید محمود مرعشی. قم: چاپخانه مهر استوار.
- حسینی، سید محمد تقی (١٣٩٠). فهرست دستنویس‌های فارسی کتابخانه ایاصوفیا (استانبول). تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- دانش پژوه، محمد تقی (١٣٣٩). فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. ج ٨. تهران: دانشگاه تهران.
- ——— (١٣٤٨الف). «نسخ خطی کتابخانه آیة الله مرعشی». در: نشریه نسخه‌های خطی. زیرنظر محمد تقی دانش پژوه - ایرج افشار. تهران، دانشگاه تهران: ٣٥٥-٤٢٥/ ٦.
- ——— (١٣٤٨ب). فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. ج ١. تهران: دانشگاه تهران.
- ——— (١٣٥٥= ٢٥٣٥). فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم. ج ٢. [قم: نشریه آستانه مقدسه.]

- (۱۳۵۷). فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران. ج ۱۶. تهران: دانشگاه تهران.
- دانشگر، مریم (۱۳۹۳). «قطب محیی شیرازی». در: دانشنامه زبان و ادب فارسی. به سرپرستی اسماعیل سعادت. تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی: ۲۵۷/۵-۲۵۹.
- درایتی، مصطفی (۱۳۹۳). فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فتخا). ج ۴۵. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۹). جستجو در تصوف ایران. تهران: امیرکبیر، چاپ ششم.
- سعدی (۱۳۲۰). کلیات سعدی. به اهتمام محمدعلی فروغی. [حاوی این بخش‌ها با تاریخ‌های طبع مستقل: گلستان، ۱۳۱۶؛ بوستان، ۱۳۱۶؛ غزلیات سعدی، ۱۳۱۸، تاریخ مقدمه؛ مواضع سعدی، ۱۳۲۰؛ رسائل نثر، بی‌تا]. طهران: کتابفروشی و چاپخانه بروخیم.
- سوری، محمد و محمود سوری (۱۳۹۶). «جعفر خلدی؛ صوفی ناشناخته مکتب بغداد». جاویدان خرد. دوره ۱۴. بهار و تابستان. ش ۳۱: ۹۱-۱۱۰.
- السلمی، أبوالقاسم حمزه بن يوسف بن إبراهیم (۱۳۸۷ق). تاریخ جرجان، أو کتاب معرفة علماء أهل جرجان. تحت مراقبة محمد عبدالمعیدخان (مدیر دائرة المعارف العثمانی). حیدرآباد الدکن: مطبعة مجلس دائرة المعارف العثمانية، الطبعة الثانية.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۴). در هرگز و همیشه انسان، از میراث عرفانی خواجه عبدالله انصاری. تهران: سخن، چاپ دوم.
- الشیرازی، رکن‌الدین یحیی [اصل: یحیی] بن جنید (۱۳۶۳). سیرت الشیخ الکبیر ابوالله ابن‌الخفیف الشیرازی. ترجمه فارسی. تصحیح: ا. شیمل طاری. به کوشش توفیق سبحانی. تهران: بابک.
- شیرازی، معین‌الدین ابوالقاسم جنید (۱۳۲۸). شَدَّ الْأَذَارِ فِي حَظِّ الْأَوْزَارِ عَنْ زُوَّارِ الْمَزَارِ. بتصحیح و تحریش علامه محمد قزوینی - عباس اقبال. طهران: چاپخانه مجلس [چاپ افست: انتشارات نوید، ۱۳۶۶].
- فزاد سزگین (۱۳۸۰). تاریخ نگارش‌های عربی. ج ۱. ترجمه، تدوین و آماده‌سازی: مؤسسه نشر فهرستگان. به اهتمام خانه کتاب. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قطب بن محیی (۱۳۹۵). مکاتیب. مقدمه، تصحیح و تعلیقات: مریم دانشگر. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

- مجتبایی، فتح الله (۱۳۷۴). «ابن خفیف». در: دائرة المعارف بزرگ اسلامی. زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی. تهران: بنیاد دائرة المعارف بزرگ اسلامی، چاپ دوم: ۴۳۹-۴۳۴/۳.
- محمد عایش (تعریف و تحقیق) (۱۴۳۲ق). *فهرس المخطوطات العربية في جامعة برنستون* ج ۵ (مجموعه یهودا. ج ۳ از ۶). (بی‌جا): سقیفه الصفا العلمية، الطبعة الأولى.
- مرکز تحقیقات زبان فارسی در هند (تهیه و تنظیم) (۱۳۶۵). *فهرست نسخه‌های خطی عربی کتابخانه ندوة العلماء لکھنؤ. دھلی نو: مرکز تحقیقات زبان فارسی در هند - خانہ فرنگ جمهوری اسلامی ایران.*
- متزوی، احمد (۱۳۸۲). *فهرستواره کتابهای فارسی. ج ۳.* تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، چاپ دوم.
- ——— (۱۳۸۴). *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.* ج ۲. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- میرخواند، محمد بن خاوندشاه بن محمود (۱۳۸۵). *روضۃ الصفا فی سیرۃ الانبیاء و الملوك و الخلفا. به تصحیح و تحسیله جمشید کیان فر.* تهران: اساطیر، چاپ دوم.
- نسفی، عزیزالدین (۱۳۸۱). *كتاب الانسان الكامل (مجموعه رسائل مشهور به...).* با تصحیح و مقدمه ماریزان موله. با پیش‌گفتار هانری کرین. ترجمه مقدمه از: سید ضیاءالدین دهشیری. تهران: طهوری - انجمن ایران‌شناسی فرانسه در تهران، چاپ ششم.
- النسفي، نجم الدین عمر بن محمد بن احمد (۱۳۷۸). *القند فی ذکر علماء سمرقند.* تحقیق: یوسف الهدایی. تهران: میراث مکتب.
- هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان (۱۳۸۴). *کشف المحجوب.* مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محمود عابدی. تهران: سروش. چاپ دوم.
- همدانی، رشیدالدین فضل الله (۱۳۸۹). *جامع التواریخ، تاریخ سلغویان فارس.* تصحیح و تحسیله: محمد روشن. تهران: میراث مکتب.
- Brockelman, C. (1937). *Geschichte Der Arabischen Litteratur.* Leiden: Brill. Vol.1-Supplement.
- Sobieroj, Florian (1988). *Ibn Hafif as-Sirazi und seine Schrift zur Novizenerziehung (Kitab al-iqtisad): biographische Studien, Edition und Übersetzung.* Abu 'Abd Allah Muhammad Ibn Khafif al-Shirazi. Stuttgart: Franz Steiner- Beiruter Texte und Studien- 57.